

سبرُ فقهي في زيارة قبور غير المسلمين في وجهة نظر المذاهب الاسلامية

مهدي درگاهي*

[تاريخ الاستلام ١٣٩٩/٠١/٢٧ تاريخ القبول ١٣٩٩/٠٤/١٨ هـ ش]

ملخص القول

إنَّ زيارة قبور المسلمين، لعدم وجود دراسة موسعة و مُوحدة تتناول هذا الموضوع، تُعدُّ من الأمور التي لم تتضح مشروعيتها او عدم مشروعيتها في وجهة نظر المذاهب الاسلامية. فمن ثمَّ يحتاج جوابُ هذا السؤال في المنظور الفقهي العام الى البحث و الفحص للوصول إلى اجابة مطلوبة متناسبة.

لاشك في أنَّ الحثَّ للمشاهدة و النظر في آثار الماضين و أخذ العبرة عنهم و الإيقاظ بهم، حسبما ذكر في الوحي المبين، له عمومية تجعل هذه الزيارة امرأً سائغاً، و ايضاً يحسب هذا الامر من ادلة القول بجواز زيارة مقابر غير المسلمين ايضاً. هذا و اما اذا كانت الزيارة بدافع التنزه و مشاهدة الأبنية المعمارية في حدِّ ذاتها من دون التوجه الى تذكُّر البعث و النشر يومَ المعاد و اصطحبت (زيارة المقابر) بنوع من التكريم و التقدير لأصحاب تلك القبور، فعندئذ لا ريب في أنَّها غير مشروعة فتدخل في دائرة النهي. إنَّ المقال يستهدفُ معرفة الأقوال و الأنظار لفقهاء المذاهب و مناقشة حدود و اطار الادلة المستند اليها و تبين الوظيفة العملية للمسلمين في هذا الجانب. و هذا يتيسر بفضل دراسة شاملة و تحليل وصفي لمستندات الفقه الاسلامي مع تجميع معطيات مكتبته و الذي يؤدي الى القول بشرعية زيارة قبور غير ملأ الاسلام شريطة أنَّ لا يضاف ذلك، الشرعيه لرموز الكفر و الفسق و إلَّا يسبب ذلك، نشر افكارهم و عقائدهم و لا يوجب دعم مذاهب اصحاب القبور.

كلمات مفتاحية: زيارة القبور، غير المسلمين و فقه المذاهب الاسلامية.

* استاذ الدراسات العليا في الحوزة العلمية بقم و الأستاذ المساعد بقسم الفقه والأصول في جامعه المصطفى العالمية

Aghigh_573@yahoo.com

واکاوی فقهی زیارت قبور غیرمسلمانان از منظر مذاهب اسلامی

مهدی درگاهی*

[تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۱/۲۷؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۴/۱۸]

چکیده

زیارت قبور غیرمسلمانان از مسائلی است که مشروع بودن یا نبودن آن از منظر فقه مذاهب اسلامی چندان هویدا نیست، چون تحقیق موسّع و یکپارچه‌ای در این باره صورت نگرفته است. از این رو پرسش از حکم زیارت قبور غیرمسلمانان از منظر فقه اسلامی، مسئله‌ای است که نیازمند کاویدن تا مرحله پاسخی درخور است. ایجاد انگیزه برای زیارت آثار گذشتگان و عبرت‌گیری و پندآموزی از آن، که در برخی آیات قرآن ذکر شده است، عمومیت دارد و از دلایلی است که به زیارت قبور غیرمسلمانان مشروعیت می‌بخشد؛ البته اگر زیارت قبور آنان به منظور تفرّج و بازدید از ظواهر معماری و قدمت تاریخی و خالی از توجّه به معاد و عبرت‌گیری انجام شود، یا نوعاً با احترام و ادب به صاحبان قبر همراه باشد، منهی عنه است. این تحقیق با هدف شناخت اقوال و انظار فقه‌های مذاهب اسلامی و حدود و ثُغور ادله و تبیین وظیفه و تکلیف مسلمانان در زیارت قبور غیرمسلمانان انجام شده است. نیل به این مقصد در سایه توصیف و تحلیل گزاره‌های فقه مذاهب اسلامی با گردآوری داده‌های کتاب‌خانه‌ای میسر است که نتیجه آن، مشروعیت زیارت قبور غیرمسلمانان به شرط اعتبارنبخشیدن به نمادهای کفر و فسق و ترویج عقاید و مذاهب صاحبان قبر است.

کلیدواژه‌ها: زیارت، قبور غیرمسلمانان، فقه مذاهب اسلامی.

مقدمه

«زیارت» از مشتقات معروف و رایج واژه «زور» و به معنای دیدار کسی یا چیزی با قصد پیشین است، اعم از اینکه حیات داشته باشد یا نه؛ چنان که ارباب لغت در این باره تصریح کرده‌اند؛^۱ پس هر دیداری زیارت نیست، بلکه زیارت دیداری است که همراه با تمایل، کشش و اراده دیدار باشد. بنابراین، تفاوت میان واژگانی چون «رؤیت»، «نظاره» و ... با زیارت تبیین می‌شود و زیارت مفهومی اخص از واژگان مشابه خویش می‌یابد.

زیارت قبور حاوی چند وجه است: ۱. یکی زیارت قبوری که مزور از زیارت زائر با استغفار و طلب رحمت زائر برای مزور نفع می‌برد؛ این وجه از زیارت در زیارت قبور عموم مسلمانان نمایان است؛ ۲. زیارت قبوری که زائر از زیارت خود، نفع می‌برد. این وجه خود بر دو قسم است: الف. زیارت قبوری که موجب می‌شود زائر از سرای آخرت و مرگ و قیامت غافل نشود. این وجه از زیارت حاوی نوعی پند، اندرز و عبرت‌آموزی بشر از زیارت قبور گذشتگان است؛ ب. زیارت قبوری که موجبات افزایش معرفت و شناخت، الگوگیری و اسوه‌پذیری، زنده‌نگه‌داشتن اهداف و افکار را فراهم می‌آورد که البته بین مصادیق قبور در زیارت فرق است. به عبارت دیگر، برتری روحی صالحان و بزرگان از دین و مذهب و مقامات معنوی آنان ایجاب می‌کند که بتوانند در حدی که خدای متعال به ایشان قدرت روحی و معنوی داده است به زائر خود کمک کنند و او را مشمول رحمت قرار دهند و فیوضاتی نصیب او کنند. تجدید عهد و پیمان زائر با مزور، توسل و درخواست شفاعت زائر از مزور و تبرک او از قبر، و نزول برکات و رفع گرفتاری‌های زائر با زیارت قبور صالحان و بزرگان دین، از دیگر کمالاتی است که زائر از زیارت قبور مطهر کسب می‌کند.

آنچه نویسنده در این مقاله به دنبال آن است، توجه به قسم اول از وجه دوم زیارت، یعنی پند و اندرز و عبرت‌گیری زائر از زیارت قبور است. مدعای نویسنده در این مقاله آن است که این وجه از زیارت قبور در تمام مصادیق قبور جاری است.

۱. مقری فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، ج ۲، ص ۲۶۰؛ طریحی، فخرالدین بن محمد، مجمع البحرین، ۱۴۱۶، ج ۳، ص ۳۲۰.

شاید هیچ تاریخ شفاهی و مکتوبی به اندازه آثار بازماندگان از گذشتگان نتواند گذشته را بازخوانی کند و انعکاس دهنده عبرت‌ها و تجربه‌ها به نسل حاضر باشد. بازدید از قبور گذشتگان و آثار باقی مانده از آن، که غالباً غیرمسلمان، مشرک و کافر بوده‌اند، از یک سو، توانایی ایجاد ژرف‌ترین تأثیرات روحی- روانی را در جان آدمی دارد و از سوی دیگر، یکی از مستندات ارتباط با پیشینیان است.

زیارت و بازدید از قبور و آثار باقی مانده از آن، مخصوصاً اقوامی که به مراتب از انسان‌های کنونی قدرتمندتر و ثروتمندتر بوده‌اند، یکی از امور مؤثر در پندآموزی و عبرت‌گیری مسلمانان است تا همواره نفس اماره خود را نهیب زنند و تعلقات خود به ظواهر دنیا را کاهش دهند و موجبات ترقی و کمال را فراهم کنند.

از نگاه فقهی، زیارت قبور غیرمسلمانان از هر آیین و دین و مذهبی را می‌توان در دو دسته از شاخص‌های مطلوب و نامطلوب ردیابی کرد. نمونه شاخص‌های مطلوب آن، همان عبرت‌گیری و پندآموزی از فرجام آنان با همه قدرت و اموال خود است، که برخی آیات قرآن کریم نیز بر مطلوبیت این شاخص دلالت دارد.^۱ نمونه و شاخص منفی زیارت قبور و اماکن مرتبط به آن، همان اعتباربخشی به نمادهای کفر و فسق و ترویج عقاید و مذاهب صاحبان قبر است.

در این مقاله با تفحص در کلمات فقهای مذاهب اسلامی و بیان دیدگاه‌های آنان، ادله این مسئله را ذکر می‌کنیم و با بررسی مفاد و میزان دلالت آن، به جمع‌بندی معتبر و صحیحی در گزینش و اولویت شاخص‌های مطلوب و نامطلوب مسئله خواهیم پرداخت.

دیدگاه فقهای مذاهب اسلامی

با تتبع صورت گرفته در تمام مذاهب اسلامی و بررسی کلمات فقهای جهان اسلام می‌بینیم که فقط برخی با ذکر فتوای خود و برخی دیگر با اشاره‌ای اجمالی به ادله مسئله به این فرع فقهی اشاره کرده‌اند؛ و برخی دیگر هم، هیچ اشاره‌ای به آن نداشته‌اند و فقط با طرح مسئله زیارت قبور مسلمانان و قبور مؤمنان، به تبیین حکم آن بسنده کرده‌اند.

۱. برای نمونه نک: روم: ۹ و ۴۲؛ فاطر: ۴۴؛ غافر: ۲۱ و ۸۲؛ محمد: ۱۰؛ انعام: ۱۱؛ نمل: ۶۹.

در میان کسانی که متذکر این فرع فقهی شده‌اند، در مشروع بودن یا نبودن زیارت قبور غیرمسلمانان، اعم از کفار، مشرکان و اهل کتاب، دو دیدگاه کلی وجود دارد؛ برخی به جایز بودن و برخی دیگر به جایز نبودن و مشروعیت نداشتن آن حکم کرده‌اند.

برخی از اندیشورانی که به جواز زیارت قبور مشرک و کافر تصریح کرده‌اند عبارت‌اند از: ابن ماجه قزوینی^۱ (متوفای ۲۷۳ ه.ق.) و نسائی^۲ (متوفای ۳۰۳ ه.ق.)، از صاحبان سنن، و نووی^۱ (متوفای ۶۷۶ ه.ق.)، سُبکی^۲ (متوفای ۷۵۶ ه.ق.)، أحمد کنانی^۳ (متوفای ۸۴۰ ه.ق.)، زکریا أنصاری^۳ (متوفای ۹۲۶ ه.ق.)، ابن حجر عسقلانی^۴ (متوفای ۹۷۳ ه.ق.)، ابن حجر هیتمی^۵ (متوفای ۹۷۴ ه.ق.)، خطیب شربینی^۶ (متوفای ۹۷۷ ه.ق.)، محمد بن احمد رملی^۷ (متوفای ۱۰۰۴ ه.ق.)، عبدالرئوف مناوی^۸ (متوفای ۱۰۳۱ ه.ق.)، سلیمان بن محمد بن عمر بجیرمی^۹ (متوفای ۱۲۲۱ ه.ق.)، از مذهب شافعی، و ابن تیمیه^{۱۰} (متوفای ۷۲۸ ه.ق.)، ابن عبدالهادی^{۱۱} (متوفای ۷۴۴ ه.ق.)، شمس‌الدین مقدسی رامینی^{۱۲} (متوفای ۷۶۳ ه.ق.)، أبو إسحاق ابن مفلح^{۱۳} (متوفای ۸۸۴ ه.ق.)، علی بن سلیمان مرداوی^{۱۴} (متوفای ۸۸۵ ه.ق.)، محمد بن عبدالوهاب^{۱۵} (متوفای ۱۲۰۶ ه.ق.)، عظیم‌آبادی^{۱۶} (متوفای ۱۳۲۹ ه.ق.) و محمد ناصرالدین آل‌بانی^{۱۷} (متوفای ۱۴۲۰ ه.ق.)، از مذهب حنبلی.

در مقابل این دسته، برخی دیگر به مشروعیت نداشتن زیارت قبور کافران و مشرکان و به طور کلی کسانی که بر غیر اسلام فوت کرده‌اند، فتوا داده‌اند؛ از این میان می‌توان به ماوردی^{۱۸} (متوفای ۴۵۰ ه.ق.)، فخرالدین طریحی^۴ (متوفای ۱۰۸۷ ه.ق.) و شهاب‌الدین آلوسی^{۱۹} (متوفای ۱۲۷۰ ه.ق.) اشاره کرد.

۱. ابن ماجه، محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۵۰۱، باب ما جاء فی زیارة قبور المشركين.

۲. نسائی، احمد ابن علی، السنن الکبری، ج ۴، کتاب الجنائز، ص ۹۰، باب زیارة قبر المشرك.

۳. ابن إسماعیل کنانی، أحمد بن أبی بکر، مصباح الزجاجة فی زوائد ابن ماجه، ج ۲، ص ۴۳، باب زیارة قبور المشركين، ذیل رقم ۵۷۰.

۴. طریحی، الشیخ فخر الدین، تفسیر غریب القرآن، ص ۵۱۷.

البته برخی بدون ذکر مسلمان و غیرمسلمان، حکم زیارت قبور را تبیین کرده‌اند که این مطلق سخن گفتن آنها نشان از مشروع دانستن زیارت قبور، اعم از قبور مسلمان و غیرمسلمان، نزد ایشان است. از این میان می‌توان به ابن حبیب مالکی^۱ (متوفای ۲۳۸ ه.ق.)، ابن عبدُوس مالکی^۲ (متوفای ۲۴۵ ه.ق.)، عمر بن حسین خُرقی حنبلی^۳ (متوفای ۳۳۴ ه.ق.)، نعمان بن محمد تمیمی^۴ (متوفای ۳۶۳ ه.ق.)، ابن عبدالبَر قُرطبی مالکی^۵ (متوفای ۴۶۳ ه.ق.)، ابوبکر سرخسی حنفی^۶ (متوفای ۴۸۳ ه.ق.)، علاءالدین ابوبکر کاشانی حنفی^۷ (متوفای ۵۸۷ ه.ق.)، ابومحمد بهاءالدین مقدسی حنبلی^۸ (متوفای ۶۲۴ ه.ق.) و دیگران اشاره کرد.

در هر حال، آنچه مهم است بررسی ادله مسئله و ارزیابی شاخص‌های مطلوبیت داشتن یا نداشتن آن است که در ادامه خواهد آمد.

واکاوی ادله مسئله

الف. ادله جواز و مشروعیت زیارت قبور غیرمسلمانان

در این قسمت، به منظور اثبات مشروعیت زیارت قبور غیرمسلمانان و حتی مطلوبیت آن به دو نوع دلیل اشاره می‌شود؛ یکی دلیل عام و دیگری خاص.

۱. عبدری، محمد بن یوسف، التاج والاکلیل لمختصر خلیل، ج ۲، ص ۳۷۲.

۲. همان.

۳. ابن مفلح حنبلی، ابراهیم بن محمد، النکت والفوائد السنية علی مشکل المحرر لمجد الدین ابن تیمیة، ج ۱، ص ۲۱۳.

۴. تمیمی مغربی، نعمان بن محمد، تأویل الدعائم، ج ۲، ص ۸۰.

۵. ابن عبد البر، یوسف بن عبد الله بن محمد، الکافی فی فقه أهل المدینة المالکی، ج ۱، ص ۲۸۲؛ همو، الاستذکار الجامع لمذاهب فقهاء الأمصار، ج ۱، ص ۱۸۴.

۶. سرخسی، أبو بکر محمد بن أبی سهل، المبسوط، ج ۲۴، ص ۱۹.

۷. حنفی کاشانی، ابوبکر بن مسعود بن أحمد، بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع، ج ۱، ص ۳۲۰.

۸. المقدسی رامینی، محمد ابن احمد، العدة شرح العمدة، ج ۱، ص ۱۰۴.

مراد از دلیل عام، دلیلی است که علاوه بر استناد به آن در مشروعیت بخشی به زیارت قبور غیرمسلمانان می توان از آن برای اثبات مشروعیت زیارت تمام آثار باستانی و میراث فرهنگی بهره جست؛ و مراد از ادله خاص، دلیلی است که مفاد آن فقط مربوط به اثبات مشروعیت زیارت قبور غیرمسلمانان است.

۱. دلیل عام: مطلوبیت عبرت آموزی از آثار گذشتگان

پندآموزی یکی از اهداف شارع در مواجهه با پدیده ها و عبرت گیری از آثار گذشتگان است که به لسان تشویق و تحریض در بسیاری از آیات قرآن و روایات به آن توجه شده است. در آیات بسیاری به مسلمانان دستور داده شده است با مسافرت و رفتن به اماکن پیشینیان و ملت های گذشته، در آثار و عمارت های آنان، و عاقبت و فرجام آنان تفکر کنند؛ از جمله در:

۱. «أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَأَثَارُوا الْأَرْضِ وَعَمَرُوهَا أَكْثَرَ مِمَّا عَمَرُوهَا وَجَاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانَ اللَّهُ لِيَظْلِمَهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ»^۱

۲. «أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَكَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعْجِزَهُ مِنْ شَيْءٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ إِنَّهُ كَانَ عَلِيمًا قَدِيرًا»^۲

۳. «أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ كَانُوا مِنْ قَبْلِهِمْ كَانُوا هُمْ أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَأَثَاراً فِي الْأَرْضِ فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ وَمَا كَانَ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَاقٍ»^۳

۴. «أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَانُوا أَكْثَرَ مِنْهُمْ وَأَشَدَّ قُوَّةً وَأَثَاراً فِي الْأَرْضِ فَمَا أَغْنَى عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ»^۴

۱. روم: ۹.

۲. فاطر: ۴۴.

۳. غافر: ۲۱.

۴. غافر: ۸۲.

۵. «أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ دَمَّرَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَ لِلْكَافِرِينَ أَمَثَالُهَا».^۱

در این آیات، خداوند متعال انسان را به گردش در زمین و مشاهده عاقبت اقوام گذشته و هلاکتی که به آن دچار شدند، فرا خوانده است تا بشر را به فانی بودنش و اینکه آنچه او در این دنیا فراهم می‌آورد گذاشتنی و گذشتنی است، رهنمون شود. روزمرگی زندگی و حیات دنیوی گاه تأثیر عمیقی بر وجود انسان می‌گذارد و او را مستغرق خویش می‌کند و موجبات فراموشی معاد و رستخیز و عواقب اعمال و کردار را فراهم می‌آورد.

اصرار شارع بر سیر و گردش در زمین و عبرت‌آموزی از آثار گذشتگان، که یکی از آن آثار، مقبره‌های آنان است، نشان از ارزش بالای معنوی این عمل در منظر شارع است؛ چراکه دیدار و زیارت مقبره‌ها و اماکنی که متعلق به گذشتگان است، سبب پندگرفتن، عبرت‌آموختن بشر و عمیق‌ترشدن اعتقاد به روز قیامت، به عنوان یکی از اصول دین، و به تبع آن رشد و تعالی یافتن انسان و کمال او خواهد شد.

در آیه ۱۰۹ سوره یوسف می‌خوانیم: «أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا أَ فَلَا تَعْقِلُونَ»؛ «آیا در روی زمین نمی‌گردند تا بنگرند که پایان کار پیشینیان‌شان چه بوده است؟ و [بدانند که] سرای آخرت [برای] پرهیزگاران بهتر است، چرا نمی‌اندیشید؟».

برخی روایات هم بر توجه به آثار گذشتگان و عبرت‌پذیری از آنها دلالت دارد. علی (علیه السلام) می‌فرماید: «و خَلَّفَ لَكُمْ عِبْرًا مِنْ آثَارِ الْمَاضِينَ قَبْلَكُمْ».^۲

این گونه روایات در متون حدیثی به وفور یافت می‌شود و بشر را به تفکر و عبرت‌گیری از آثار گذشتگان فرا می‌خواند. روشن است که مراد از آثار گذشتگان در آیات و روایات،

۱. محمد: ۱۰؛ نیز نک: أنعام: ۱۱؛ نمل: ۶۹؛ روم: ۴۲.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۸۲؛ همچنین نک: مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۱۹، تتمه باب ۱۵، مواعظ امیر المؤمنان (علیه السلام) کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۲، ص ۵۱، باب صفة الایمان، ح ۱؛ ابن طاووس، علی ابن موسی، الاقبال، ج ۱، ص ۱۵۵، باب ۲۰ از ابواب احکام ماه مبارک رمضان.

اعم از آثار و اماکن تاریخی و باستانی و مقابر آنان است. به عبارت دیگر، یکی از مصادیق آثار گذشتگان، مقابر آنان است و این مقابر منحصر به قبور مسلمانان نیست و شامل همگان است. چنان که خداوند متعال می‌فرماید: «بدن فرعون را در مقابل دیدگان مردم قرار می‌دهم تا برای آنان موجب عبرت باشد»^{۲۰} و همگان به این باور برسند که ثروت و قدرت انسانی در حد و اندازه فرعون نیز باقی و پایدار نخواهد بود.

ایمان و باور صحیح و عمیق انسان به فرارسیدن مرگ و سؤال و حساب پس از آن و درک حکمت آفرینش خود و تذکر مداوم آن با حضور در مقبره‌ها، اعم از مقبره مسلمانان و غیرمسلمانان، و زیارت و بازدید قبور آنان سبب می‌شود اعتقادات او مستحکم شود و وقتی قصد انجام دادن کاری می‌کند از فساد و انجام دادن کارهای شر دوری کند و با پرهیز از صفات زشتی چون حرص و آز و وابستگی به دنیا و خواسته‌های نامشروع آن، به سوی انجام دادن امور خیر روی آورد، که نهایت آن کمال و تعالی انسان است.

البته باید توجه کرد که رویکرد اصلی در زیارت قبور و مقابر غیرمسلمانان باید به گونه‌ای باشد که چهره عبرت‌آموزی آن حفظ شود، و چنانچه به منظور تفرج و بازدید از ظواهر معماری و قدمت تاریخی و خالی از توجه به معاد و عبرت‌گیری انجام گیرد، با تعبیر تند و سرزنش‌آمیزی در برخی آیات قرآن، بنا بر یکی از تفاسیر مُحتمل از آن، یاد شده است؛ «الْهَكُمُ التَّكَاثُرُ * حَتَّى زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ»؛^۱ وقتی رفتن برای زیارت اهل قبور به قبرستان با شمارش اموات برای تفاخر جاهلی همراه باشد،^{۲۱} به نوعی زیارت به قصد الهاء (بیهودگی) و اشتغال به امری باطل است که قرآن از آن نهی کرده است.^{۲۲} همین مسئله سبب شد پیامبر اکرم ﷺ در ابتدای رسالت خویش، بنا بر برخی نقل‌ها،^{۲۳} از زیارت اهل قبور نهی کنند، چه اینکه مسلمانان به عصر جاهلیت و عبادت بت‌ها نزدیک بودند و ترس از یادآوری بسیاری از رذائل و تفاخر به برخی اعمال در گذشته، موجب نهی اولیه از زیارت قبور شد.^۲

۱. تکاثر: ۲.

۲. عینی حنفی، بدرالدین، عمدة القاری، ج ۸، ص ۷۰.

۲. دلیل خاص و جزئی

۲.۱. روایت نبوی ﷺ: نهیتکم عن زیارة القبور ألا فزوروها فإن فیها عبرة أو تذكرة أو

موعظة

علاوه بر آیات و روایاتی که در دلیل عام مطرح شد، در برخی روایات نبوی ﷺ، پیامبر اکرم ﷺ در مقام برداشتن خطر و منع ابتدایی زیارت قبور، علت حکم مشروعیت یا مطلوبیت زیارت قبور^{۲۴} را ذکر کرده‌اند. ذکر چرایی و تعلیل حکم زیارت قبور، از جمله مضامینی است که از طرق مختلف و با الفاظ و تعبیر گوناگون، در جوامع روایی مذاهب اسلامی از پیامبر اعظم ﷺ نقل شده است؛ بریده، أبوسعید خدری، انس بن مالک، علی بن ابی طالب (علیه السلام)، سیده عایشه، سیده ام سلمه و عبدالله بن مسعود از جمله کسانی هستند که با طرق و الفاظی متعدد از آنها گزارش شده است.

در این گزارش‌ها زیارت قبور به عباراتی همچون «فإنها تذکر الآخرة»،^۱ «فإنها تذکرکم الآخرة»^۲ و «فإن فی زیارتها تذکره»،^۳ «فإن فیها عبرة»،^۴ «فإن لکم فیها عبرة»^۵ و «فإنه یرق القلب

۱. بیهقی، أحمد بن الحسین، سنن الکبری، باب الرخصة فی الأوعیه بعد النهی، ج ۸، ص ۳۱۱، ح ۱۷۲۶۳، گزارش از بریده؛ بزار، أحمد بن عمرو، مسند البزار، ج ۲، ص ۳۵۲، ح ۷۳۶۶، گزارش از انس؛ طبرانی، سلیمان بن أحمد، معجم الأوسط، ج ۴، ص ۶۸، ح ۳۶۳۲، گزارش از عایشه.

۲. ابن حنبل، أحمد، مسند، ج ۱، ص ۱۴۵، ح ۱۲۳۵؛ ابن أبی شیبہ، المصنف فی الأحادیث والآثار، باب من رخص فی زیارة القبور، ج ۳، ص ۳۴۲، ح ۱۱۹۲۸، گزارش از امام علی (علیه السلام). همچنین در منابع روایی مذهب جعفری نک: صدوق، محمد بن علی، علل الشرایع، ج ۲، ص ۴۳۲، ح ۱.

۳. أبی داود، سنن أبی داود، فی زیارة القبور، ج ۹، ص ۴۴، ح ۲۸۱۶؛ بیهقی، أحمد بن الحسین، سنن الکبری، باب الرخصة فی الأکل الحوم الضحایا، ج ۹، ص ۲۹۲، ح ۱۸۹۹۶؛ گزارش از بریده. برای اطلاع بیشتر از گزارش‌های دیگر بریده بن حصیب، نک: دارقطنی، علی بن عمر، سنن الدارالقطنی، کتاب الأشربة و غیرها، ج ۴، ص ۲۵۹، ح ۶۹؛ نسائی، احمد ابن شعیب، سنن النسائی الکبری، باب الاذن فی کل منها و لا إستثناء فیها، ج ۳، ص ۲۲۵، ح ۵۱۶۲؛ بزار، احمد ابن عمرو، مسند البزار، ج ۲، ص ۱۳۷، ح ۴۳۷۳؛ مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۴۴۱، و ج ۶۳، ص ۴۹۸.

۴. ابن حنبل، أحمد، مسند، ج ۳، ص ۳۸، ح ۱۱۳۴۷؛ بیهقی، أحمد بن الحسین، سنن الکبری، ج ۴، باب زیارة القبور، ص ۷۷، ح ۶۹۸۸؛ گزارش از أبوسعید خدری.

۵. طبرانی، سلیمان بن أحمد، المعجم الکبیر، ج ۲۳، ص ۲۷۸، ح ۶۰۲؛ گزارش از ام سلمه.

وَاَيَّدِمُ الْعَيْنَ وَ يَذْكُرُ الْآخِرَةَ»^۱ «فَإِنَّهَا تُذَكِّرُكُمُ الْمَوْتَ»^۲ «فَإِنَّ فِيهَا مَوْعِظَةً»^۳ «فَإِنَّ فِيهِمْ عِبْرَةً»^۴ و «فَإِنَّهَا تُزَهِّدُ فِي الدُّنْيَا وَ تُذَكِّرُ الْآخِرَةَ»^۵ تعلیل یافته است.

اشاره به چرایی مشروعیت و مطلوبیت زیارت قبور در کلام پیامبر ﷺ و تعلیل آن به عبرت‌گیری و پندآموزی و یاد مرگ و قیامت، بیانگر آن است که مشروعیت و مطلوبیت زیارت قبور حتی در خصوص قبور غیرمسلمانان نیز جاری است؛ چه اینکه علت مذکور در روایت، در خصوص زیارت قبور غیرمسلمانان نیز عمومیت دارد. پس حکم مطلوبیت و مشروعیت نیز در زیارت قبور غیرمسلمانان تعمیم می‌یابد.

از میان طرفداران به جواز و مشروعیت زیارت قبور غیرمسلمانان، اندیشورانی همچون ابن تیمیه^۶ (متوفای ۷۲۸ ه.ق.)، ابن عبدالهادی^۷ (متوفای ۷۴۴ ه.ق.)، تقی‌الدین سُبکی^۸ (متوفای ۷۵۶ ه.ق.)، أبو إسحاق ابن مفلح^۹ (متوفای ۸۸۴ ه.ق.)، عبدالرئوف

۱. ابن حنبل، احمد، مسند، ج ۳، ص ۲۳۷، ح ۱۳۵۱۲؛ الموصلی التمیمی (أبی یعلی) أحمد بن علی، مسند أبي یعلی، ج ۶، ص ۳۷۳، ح ۳۷۰۷؛ دقاق، محمد بن عبدالواحد بن محمد، مجلس إملاء فی رؤیة الله تبارک و تعالی، ص ۱۵۳، ح ۳۵۱؛ بیهقی، أحمد بن الحسین، شعب الایمان، فصل فی زیارة القبور، ج ۷، ص ۱۵، ح ۹۲۸۹؛ گزارش از انس.

۲. حاکم نیشابوری، محمد بن عبد الله، المستدرک علی الصحیحین، ج ۱، کتاب الجنائز، ص ۵۳۱، ح ۱۳۸۸؛ گزارش از انس.

۳. بغدادی، احمد بن علی خطیب، تاریخ بغداد، ج ۱۴، ص ۲۲۸، رقم ۷۵۲۹؛ گزارش از عایشه.

۴. طبرانی، سلیمان بن أحمد، المعجم الأوسط، ج ۵، ص ۲۴۳، ح ۵۲۰۹؛ گزارش از عایشه.

۵. ابن ماجه، محمد ابن یزید، سنن ابن ماجه، ج ۵، ص ۴۵، باب ما جاء فی زیارة القبور، ح ۱۵۶۰؛ بیهقی، أحمد بن الحسین، سنن الکبری، باب زیارة القبور، ج ۴، ص ۷۷، ح ۶۹۸۹؛ همو، شعب الایمان، ج ۷، ص ۱۷، ح ۹۲۸۸؛ گزارش از ابن مسعود.

۶. ابن تیمیه، أحمد بن عبد الحلیم، الفتاوی الکبری، ج ۳، ص ۵۰.

۷. ابن عبد الهادی الحنبلی، محمد بن أحمد، الصارم المنکی فی الرد علی السبکی، ص ۳۲۴.

۸. نک: العجیلی، سلیمان بن عمر ابن منصور، حاشیة الجمل علی المنهج لشیخ الاسلام زکریا الأنصاری، ج ۴، ص ۴۴.

۹. ابن مفلح حنبلی، إبراهیم بن محمد، المبدع شرح المقنع، ج ۲، ص ۲۵۶.

مناوی^۱ (متوفای ۱۰۳۱ ه.ق.)، محمد بن عبدالوهاب^۲ (متوفای ۱۲۰۶ ه.ق.)، عظیم آبادی^۳ (متوفای ۱۳۲۹ ه.ق.) و محمد ناصرالدین آلبنی^۴ (متوفای ۱۴۲۰ ه.ق.) با استناد به تعلیل پیامبر ﷺ، حکم مسئله را تعمیم داده‌اند.

۲.۲. گزارش‌های حاکی از زیارت پیامبر ﷺ از قبر مادر گرامی‌شان آمنه

در پاره‌ای از گزارش‌ها، نقل شده است که پیامبر ﷺ فرموده باشند: «اَسْتَأْذَنْتَ رَبِّي فِي أَنْ أَسْتَغْفِرَ لَهَا فَلَمْ يَأْذَنْ لِي وَاسْتَأْذَنْتُهُ فِي أَنْ أَزُورَ قَبْرَهَا فَأَذِنَ لِي فَرُورُوا الْقُبُورَ فَإِنَّهَا تُذَكِّرُكُمْ الْمَوْتَ؛ از پروردگارم اجازه خواستم برای مادرم استغفار کنم. پس به من اجازه نداد؛ و اجازه خواستم به زیارت قبر مادرم بروم و او اجازه داد، پس قبور را زیارت کنید، چه اینکه این عمل، یاد مرگ را در ذهنتان زنده می‌کند»؛^۵

این گزارش را ابن‌ابی‌شیه (متوفای ۲۳۵ ه.ق.)، احمد بن حنبل^۶ (متوفای ۲۴۱ ه.ق.)، مسلم بن حجاج^۷ (متوفای ۲۶۱ ه.ق.)، فاکهی^۸ (متوفای ۲۷۲ ه.ق.)، ابن‌حبان^۹ (متوفای ۳۵۴ ه.ق.) و بیهقی^{۱۰} (متوفای ۴۵۸ ه.ق.) با اندک اختلافی در الفاظ، و در مضمونی یکسان، از طریق یزید بن کیسان، از ابوحازم از ابوهریره، نقل کرده‌اند.

برخی اندیشوران با استناد به این گزارش معتقدند مشرک بودن مادر پیامبر اعظم ﷺ موجب شد آن حضرت ﷺ در استغفار برای مادر گرامی‌شان از سوی خداوند متعال

۱. مناوی، محمد عبد الرؤوف، فیض القدير، ج ۵، ص ۵۵، رقم ۶۴۳۰.

۲. محمد بن عبدالوهاب، مختصر الانصاف والشرح الكبير، كتاب الجنائز، ص ۲۲۵.

۳. عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود شرح سنن أبي داود، ج ۹، ص ۵۵.

۴. آلبنی، محمد ناصرالدین، احکام الجنائز، ص ۱۸، ذیل رقم ۱۲۱.

۵. ابن ابی شیهه، المصنف فی الأحادیث والآثار، ج ۳، باب من رخص فی زیارة القبور، ص ۳۴۳، ح ۱۱۹۲۹.

۶. ابن حنبل، احمد، مسند، ج ۲، ص ۴۴۱، ح ۹۶۸۶.

۷. قشیری نیشابوری، مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، ج ۳، ص ۶۵، ح ۹۷۶.

۸. فاکهی المکی، محمد بن إسحاق، أخبار مكة، ج ۶، ص ۱۵۵، ح ۲۳۰۷.

۹. ابن حبان، محمد، صحیح، ج ۷، ص ۴۴۰، ح ۳۱۶۹.

۱۰. بیهقی، أحمد بن الحسین، سنن الكبرى للبيهقي، باب زیارة القبور، ج ۴، ص ۷۶، ح ۶۹۸۴.

مأذون نباشند، و فقط برای زیارت قبر او اذن یافتند؛ پس روشن می‌شود که زیارت قبور غیرمسلمانان، اعم از مشرک و کافر، جایز است بدون آنکه استغفاری برای آنان صورت گیرد. علت مذکور در انتهای گزارش، یعنی یادآوری مرگ و قیامت که موجب تعمیم جواز زیارت قبور نسبت به قبور غیرمسلمانان می‌شود، تأکیدی بر این مسئله است.

ابن ماجه قزوینی^۱ (متوفای ۲۷۳ ه.ق.)، نسائی^۲ (متوفای ۳۰۳ ه.ق.)، قاضی عیاض مالکی^۳ (متوفای ۵۴۴ ه.ق.)، نووی^۴ (متوفای ۶۷۶ ه.ق.)، ابن تیمیه^۵ (متوفای ۷۲۸ ه.ق.) و ابن عبدالهادی^۶ (متوفای ۷۴۴ ه.ق.)، از جمله کسانی هستند که به استدلال فوق اشاره کرده‌اند.

البته در عبارتی بهتر، استدلال به گزارش مذکور را می‌توان از دو منظر مطرح کرد؛ یکی آنکه، با استناد به مأذون‌نبودن پیامبر ﷺ در استغفار برای مادرشان، کشف می‌شود که مادر حضرت مشرک بوده و اذن در زیارت قبر او، نشان از جواز زیارت قبور غیرمسلمانان است؛ دوم آنکه، ذکر علت در ذیل گزارش و عمومیت آن سبب می‌شود زیارت قبور غیرمسلمانان نیز در حیطه علت حکم، یعنی یادآوری مرگ و قیامت برای عبرت‌گیری و پندآموزی، قرار گیرد و حکم جواز بر آن نیز بار شود.

اما استدلال از منظر اول، مبتنی بر ملزومی است که از فقره «اسْتَأذَنْتَ رَبِّي فِي أَنْ أَسْتَغْفِرَ لَهَا فَلَمْ يَأْذَنْ لِي» فهمیده می‌شود و آن همان مشرک‌دانستن مادر گرامی پیامبر اعظم ﷺ است و نمی‌تواند پذیرفتنی باشد و پذیرش آن در واقع بی‌احترامی به ساحت مقدس آن حضرت ﷺ است؛ چه اینکه پیامبر ﷺ باید از هر چیزی که موجب نفرت و

۱. نک: ابن ماجه، محمد ابن یزید، سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۵۰۱، باب ما جاء فی زیارة قبور المشركين.

۲. نک: نسائی، احمد ابن علی، سنن النسائی الکبری، ج ۴، کتاب الجنائز، ص ۹۰، باب زیارة قبر المشرك.

۳. نووی، یحیی ابن شرف، شرح نووی علی صحیح مسلم، ج ۷، ص ۴۵، رقم ۹۷۴.

۴. همان.

۵. ابن تیمیه، احمد ابن عبدالحلیم، الفتاوی الکبری، ج ۱، ص ۱۶۶.

۶. ابن عبد الهادی الحنبلی، محمد بن أحمد، الصارم المنکی فی الرد علی السبکی، ص ۳۲۴.

دوری مردم از وی می‌شود، منزّه و پاک باشد.^۱ **مشرک بودن** نیاکان ایشان، مخصوصاً پدر و مادر، موجب دوری مردم از آن حضرت علیه السلام می‌شود؛ و اصولاً با توجه به اینکه نور محمدی علیه السلام از صلب‌های پاک به رحم‌های پاکیزه منتقل می‌شد، چگونه می‌توان نسبت شرک را به والدین آن حضرت روا داشت. آیه شریفه «وَتَقَلُّبُكَ فِي السَّاجِدِينَ»^{۲۵} در طهارت آنها دلالت دارد.

توضیح بیشتر آنکه، از حضرت محمد بن علی علیه السلام و جعفر بن محمد علیه السلام در تفسیر این آیه روایت شده است که حضرت محمد علیه السلام در اصلاّب پیامبران بود تا اینکه به پشت پدر خویش منتقل شد به زناشویی مشروع و حلال بدون آلودگی به زنا و سفاح (ازدواج غیر مشروع)؛^۲ و ابن عباس از پیامبر علیه السلام نقل کرده است که فرمودند: «یعنی تو را می‌بیند که از صلب پیامبری به صلب پیامبر دیگر منتقل می‌شدی تا اینکه به دنیا آمدی».^۳

چه بسا گفته شود این تفسیر و دیدگاه از آیه شریفه، به شیعه اختصاص دارد در حالی که آیه شریفه تفاسیر دیگری نیز دارد و حمل آن بر وجه مد نظر ترجیح بلامرجح بوده و اصولاً حمل مشترک بنا بر تمام وجوه نیز جایز نیست.^۴ در پاسخ باید گفت:

۱. این تفسیر به شیعه اختصاص ندارد، چه اینکه زمخشری (متوفای ۵۳۸ ه.ق.) نیز معتقد است آیه شریفه بر ایمان نیاکان پیامبر علیه السلام و اجداد گرامی ایشان دلالت دارد. آنها از صلب‌های سجده‌گزار به رحم‌های سجده‌گزار انتقال یافته‌اند؛^۵ و اصولاً بسیاری از محققان اهل سنت هم در این قضیه با شیعه هم‌عقیده‌اند.^۶

۱. حلی، حسن بن یوسف، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، ص ۲۷۶؛ نووی، یحیی ابن شرف، شرح المقاصد، ج ۵، ص ۶۱.

۲. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۸، ص ۶۵؛ طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، ج ۴، ص ۲۰۶.

۳. قرطبی، محمد ابن احمد، الجامع لأحكام القرآن، ج ۱۳، ص ۱۴۴.

۴. فخر رازی، محمد بن عمر، التفسیر الکبیر، ج ۲۴، ص ۱۷۳.

۵. نک.: سید علی خان، ابوطالب و بنوه، ص ۲۱۹؛ نجفی طبسی، محمدرضا، منیة الراغب، ص ۵۶.

۶. نک.: عجلونی جراحی، إسماعیل بن محمد، کشف الخفاء، ج ۱، ص ۶۲؛ عاملی، سید جعفر مرتضی،

۲. در مجامع روایی اهل سنت گزارش‌هایی حاکی از تأیید مجاهد و ابن عباس بر تفسیر مذکور نیز وجود دارد. سیوطی (متوفای ۹۱۱ ه.ق.) در کتاب مسند خویش از ابن عمر عدنی از بزار بن ابی حاتم و ابن ابی حاتم و طبرانی، و نیز بیهقی در کتاب دلائل به نقل از مجاهد گفته‌اند آیه «و تَقْلُبُكَ فِي السَّاجِدِينَ» یعنی از پیامبری به پیامبری تا اینکه پیامبر به دنیا آمد.^۱ همچنین، همو از ابن ابی حاتم و ابن مردویه و ابونعیم به نقل از ابن عباس آورده است که وی در معنای آیه می‌گوید: «یعنی پیامبر ﷺ از صلب پیامبری به پیامبر دیگر انتقال می‌یافت تا اینکه مادرش وی را به دنیا آورد».^۲

۳. روایات بسیاری گزارش شده است که پیامبر اکرم ﷺ پدران و مادران خود را طاهرین و طاهرات خوانده است. همچون حدیث نبوی «لَمْ أَزَلْ أَقْلُ مِنْ أَصْلَابِ الطَّاهِرِينَ إِلَى أَرْحَامِ الطَّاهِرَاتِ؛ پیوسته از صلب‌های پاک به رحم‌های پاکیزه منتقل می‌شدم»^۳ با توجه به اینکه به فرموده قرآن، کفر و شرک، نجاست و آلودگی است: «انما المشركون النجس».^۴ انسان نمی‌تواند هم کافر و مشرک باشد و هم صلب و رحم پاک و پاکیزه داشته باشد. پس پدران و مادران پیامبر ﷺ موحد بوده‌اند و به همین دلیل پیامبر ﷺ از آنان با لفظ «طاهرین» و «طاهرات» تعبیر آورده است.

۴. بر اساس متون تاریخی، نه تنها دلیل صریحی بر مشرک بودن نیاکان پیامبر ﷺ وجود ندارد بلکه دلایلی وجود دارد که موحد و خدایپرست بودن نیاکان آن حضرت ﷺ را ثابت می‌کند. مثلاً عبدالمطلب، جد پیامبر ﷺ، به دلیل عمل به آیین حنیف ابراهیمی

الصحيح من سيرة النبي الأعظم ﷺ، ج ۱، ص ۱۵۰-۱۵۴؛ ناصف، شيخ منصور علي، التاج الجامع للأصول، ج ۱، ص ۳۸۲.

۱. سیوطی، جلال الدین عبد الرحمن بن أبی بکر، الدر المنثور، ج ۵، ص ۹۸.

۲. همان.

۳. نک: مفید، محمد بن محمد بن النعمان، اوائل المقالات فی المذاهب والمختارات، ص ۴۶؛ سیوطی، جلال الدین عبد الرحمن بن أبی بکر، الدر المنثور، ج ۳، ص ۲۹۴ و ج ۵، ص ۹۸؛ مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۵، ص ۷ و ج ۱۵، ص ۱۸۸.

۴. توبه: ۲۸.

به ابراهیم ثانی ملقب شده بود؛^۱ و از وی شعری نقل شده است که مطلعش این است:

یا ربّ أنت الأحد الفرد الصمد إن شئت الهمت الصواب والرشد

ای پروردگار! تو احد، فرد و صمد هستی. اگر بخواهی راه راست و رستگاری را الهام می کنی.^۲

همچنین، از پدر و مادر گرامی پیامبر اسلام ﷺ اشعاری در کتاب های تاریخی نقل شده که همگی دلالت بر ایمان آنان می کند.^۳

اگر اشکال شود که طبق آیه «وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ لِأَبِيهِ آزَرَ أَتَتَّخِذُ أَصْنَامًا آلِهَةً»،^۴ «اب»، یعنی پدر ابراهیم، مشرک و بت پرست بوده و ادعای شما بر طهارت نیاکان پیامبر ﷺ ناتمام است،^۵ در پاسخ باید گفت «آذر» پدر حضرت ابراهیم (علیه السلام) نبوده است،^۶ بلکه عمو یا جد مادری حضرت ابراهیم (علیه السلام) بوده^۷ و اطلاق لفظ «اب» بر عمو و جد مادری در لغت عرب جایز است، چنان که فرزندان یعقوب از اسماعیل تعبیر به «اب» می کنند،^۸ در حالی که اسماعیل (علیه السلام) عموی یعقوب (علیه السلام) بوده است نه پدر او. دوم اینکه حضرت ابراهیم (علیه السلام) به آذر وعده داد که برای تو طلب آمرزش و استغفار می کنم.^۹ اما هنگامی که روشن شد وی دشمن خدا است، از او بیزاری جست^{۱۰} و برای او استغفار نکرد؛ و بعد از سالیان دراز،

۱. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۱.

۲. همان، ج ۱، ص ۲۴۷.

۳. الحمیری المعافری، عبد الملک بن هشام، السیرة النبویة، ج ۱، ص ۱۷۸؛ سبحانی، جعفر، مفاهیم القرآن، ج ۵، ص ۱۴۶-۱۴۷.

۴. انعام: ۷۴.

۵. الرازی الحنفی، أحمد بن محمد، حجج القرآن، ص ۸۰.

۶. سیوطی، جلال الدین، الدر المنثور، ج ۳، ص ۳۰۰.

۷. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، ج ۶، ص ۸۶؛ طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان، ج ۱۲، ص ۷۸، ج ۱۴، ص ۵۷؛ غزی، محمد بن محمد، الاتقان ما یحسن من الأخبار الدائرة علی الألسن، ج ۲، ص ۳۷۴.

۸. بقره: ۱۳۳.

۹. ممتحنه: ۴.

۱۰. توبه: ۱۱۴.

پس از آنکه خداوند اسماعیل (علیه السلام) و اسحاق (علیه السلام) را در پیری به حضرت ابراهیم (علیه السلام) عطا کرد و آن حضرت (علیه السلام) کعبه را بازسازی کرد برای پدر و مادرش دعا کرد و فرمود: «رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ»؛ پروردگارا من و پدر و مادر و همه مؤمنان را در آن روز که حساب برپا می‌شود بپارز.^۱ و چون قرآن از استغفار برای مشرکان نهی کرده است^۲ و از طرفی لفظ «والد» بر خلاف «اب» در زبان عرب فقط بر پدر واقعی اطلاق می‌شود، معلوم می‌شود مراد از «والد» در آیه مذکور آزر نبوده بلکه پدر و مادر واقعی حضرت ابراهیم (علیه السلام) بوده و آنها موحد از دنیا رفته‌اند.^۳

بنابراین، استدلال به گزارش مذکور از منظر اول آن، چنانچه در ابتدای تقریب استدلال گذشت، مخدوش بوده است. فقط می‌توان به ذیل آن و عمومیت تعلیل آن، همان‌گونه که در دلیل گذشته نیز بیان شد، استناد کرد.

البته چنانچه این خدشه را موجب تشکیک در اصل گزارش بدانیم، اعتبار و حجیت تمام فقرات آن مخدوش است و استدلال به ذیل گزارش نیز ناتمام خواهد بود.

ب. ادله جایز نبودن و مشروعیت نداشتن زیارت قبور غیرمسلمانان

مُنکران جواز و مشروعیت زیارت قبور غیرمسلمانان به آیه «لَا تَقُمْ عَلَى قَبْرِهِ» تمسک جسته‌اند، که تقریب استدلال و بررسی اعتبار آن چنین است:

بعد از جنگ تبوک و در جریان دفن و کفن «عبدالله بن اُبی بن سلول»، یکی از سران منافقان مدینه، این آیه نازل شد: «وَلَا تُصَلِّ عَلَى أَحَدٍ مِنْهُمْ مَاتَ أَبَدًا وَلَا تَقُمْ عَلَى قَبْرِهِ إِنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَمَاتُوا وَهُمْ فَاسِقُونَ».^۴ مطابق مفاد آن، رسول خدا (صلی الله علیه و آله) از نماز میت گزاردن، و به طور کلی هر گونه دعا و استغفار کردن، و ایستادن بر سر قبر منافقان نهی شد.^۵

۱. ابراهیم: ۴۱.

۲. توبه: ۱۱۳.

۳. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، ج ۶، ص ۸۶؛ کاشانی، ملا فتح الله بن شکر الله، منهج الصادقین، ج ۵، ص ۱۴۶.

۴. توبه: ۸۴.

۵. طوسی، محمد بن حسن، التبیان، ج ۵، ص ۲۷۲؛ زمخشری، محمود بن عمرو بن أحمد، الکشاف من

این حکم نهی، در ادامه آیه، تعلیل می‌شود به اینکه آنان کفر ورزیدند و فاسق شدند و در حال کفر و فسق خود مرده‌اند. البته این تعلیل در هر جا که گفت‌وگو از لغویت استغفار به میان آمده مطرح شده است؛^{۲۶} بنابراین طلب مغفرت و حضور و ایستادن بر قبور غیرمؤمنان به خدا، به سبب احاطه و استیلای کفر و فقد ایمان به خدا که در دل داشته‌اند، ممنوع است. پس زیارت قبور غیرمسلمانان، اعم از کافران و مشرکان، مشروع نیست.

ماوردی^۱ (متوفای ۴۵۰ ه.ق.)، فخرالدین طریحی^۲ (متوفای ۱۰۸۷ ه.ق.) و شهاب‌الدین آلوسی^۳ (متوفای ۱۲۷۰ ه.ق.) با استناد به آیه مذکور، بر جایزنبودن زیارت قبور غیرمسلمانان حکم کرده‌اند.

اشکال

آنچه از آیه فوق به دست می‌آید آن است که فقره «و لا تُقْمُ عَلَى قَبْرِهِ» عطف بر «و لا تُصَلِّ عَلَى أَحَدٍ مِنْهُمْ مَاتَ أَبَدًا» بوده و چون قیود در معطوف علیه بر معطوف وارد می‌شود، پس این فقره در تقدیر چنین است: «و لا تُقْمُ عَلَى قَبْرِ أَحَدٍ مِنْهُمْ أَبَدًا»، و مقصود فقط قیام در هنگام دفن نیست، بلکه عموم قیام و وقوف بر قبر، چه هنگام دفن و چه پس از آن، به عنوان زیارت، مراد خواهد بود. منتها روشن است که مقصود از ایستادن بر قبر، مطلق ایستادن و حضور بر سر قبر نیست، بلکه مقصود، حضور بر مقبره و ایستادن به قصد احترام گذاشتن و طلب رحمت و مغفرت برای صاحب قبر است.

حقائق غوامض التنزیل، ج ۲، ص ۲۹۸؛ ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمر، تفسیر القرآن الکریم، ج ۴، ص ۱۶۹؛ ابن جوزی، عبد الرحمن بن علی، زاد المسیر فی علم التفسیر، ج ۲، ص ۲۸۶.

۱. ابن حجر عسقلانی، أحمد بن علی، فتح الباری، ج ۳، ص ۱۵۰؛ رملی، محمد بن أبی العباس، نهایة المحتاج إلی شرح المنهاج، ج ۳، ص ۳۶.

۲. طریحی، فخرالدین، تفسیر غریب القرآن، ص ۵۱۷.

۳. آلوسی، نعمان بن محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، ذیل آیه شریفه «وَلَا تُقْمُ عَلَى قَبْرِهِ» (توبه: ۸۴).

به عبارت دیگر، زیارت قبور و حضور بر مقبره غیرمسلمانان از دو منظر شایسته دقت و تأمل است؛ یکی انتفاع زائر از زیارت مقابر با یادآوری مرگ و قیامت و به منظور عبرت‌گیری و پندآموزی؛ و دیگری نفع میت با احسان زائر در قالب دعا و استغفار برای او. آیه مذکور در صدد نهی از زیارت قبور از منظر دوم و هدم شخصیت مُنافق و کافر است و اصلاً نگاهی به زیارت قبور بنا بر منظر اول ندارد.

شمس‌الدین مقدسی رامینی^۱ (متوفای ۷۶۳ ه.ق.)، أبو إسحاق ابن مفلح^۲ (متوفای ۸۸۴ ه.ق.)، ابن حجر عسقلانی^۳ (متوفای ۹۷۳ ه.ق.)، عظیم‌آبادی^۴ (متوفای ۱۳۲۹ ه.ق.) و محمد ناصرالدین آل‌بانی^۵ (متوفای ۱۴۲۰ ه.ق.) بر این نکته تصریح کرده‌اند.

شایان ذکر است که چنانچه در منظر عرف و عقلا، نفسِ حضور و ایستادن شخص مسلمان بر سر قبر غیرمسلمان نوعی احترام به صاحب قبر محسوب شود، هر چند حاوی دعا و استغفار برای صاحب آن قبر هم نباشد، این زیارت و بازدید از قبور غیرمسلمانان نیز به حکم آیه مذکور مشروع نخواهد بود. چه اینکه مدلول آیه، نهی از زیارتی است که حاوی نوعی احترام به صاحب قبر باشد که این احترام ممکن است با ادای نماز، و دعا و استغفار برای او محقق شود یا با ایستادن و ادای ادب به صاحب قبر. بنابراین، قصد تعیین قبری از قبور غیرمسلمانان برای زیارت و ایستادن بر سر قبر او به نحوی که در منظر مردمان نوعی تکریم و احترام تلقی شود، مشروع نخواهد بود.

نتیجه

واکاوی دلایل موجود در این مسئله نشان می‌دهد که در تقابل بین شاخص‌های مطلوب و نامطلوب در زیارت قبور غیرمسلمانان، می‌توان به مطلوبیت آن حکم کرد. نمونه شاخص‌های مطلوب آن، همان عبرت‌گیری و پندآموزی از فرجام آنان با همه

۱. المقدسی رامینی، محمد ابن احمد، کتاب الفروع، ج ۳، ص ۴۱۲.

۲. ابن مفلح حنبلی، إبراهيم بن محمد، المبدع شرح المقنع، ج ۲، ص ۲۵۶.

۳. ابن حجر عسقلانی، أحمد بن علی، فتح الباری شرح صحیح البخاری، ج ۳، ص ۱۵۰.

۴. عظیم‌آبادی، أبو الطیب محمد شمس الحق، عون المعبود شرح سنن أبی داود، ج ۹، ص ۵۵.

۵. آل‌بانی، محمد ناصر الدین، احکام الجنائز، ص ۱۸، ذیل رقم ۱۲۱.

قدرت و اموال خود است، که برخی آیات قرآن کریم نیز بر مطلوبیت این شاخص دلالت دارد. پس زیارت قبور غیرمسلمانان (اعم از کافران و مشرکان) همچون مقابر فراعنه در مصر و اقوام هود و صالح در عربستان، چون موجبات عبرت‌گیری و پندآموزی را فراهم می‌کند، شارع به آن اهتمام داشته است. البته چنانچه زیارت قبور آنان به منظور تفرّج و بازدید از ظواهر معماری و قدمت تاریخی و خالی از توجّه به معاد و عبرت‌گیری باشد یا با نوعی احترام و ادب یا اعتباربخشی به نمادهای کفر و فسق و ترویج عقاید و مذاهب صاحبان قبر همراه شود، شاخص مطلوبیت را از دست می‌دهد و ادله، آن را نهی می‌کند.

پی‌نوشت‌ها

۱. «قال النووی و بالجواز قطع الجمهور و قال صاحب الحاوی لا تجوز زیارة قبر الکافر و هو غلط انتهى»؛ ابن حجر عسقلانی، أحمد بن علی، فتح الباری، ج ۳، ص ۱۵۰.
۲. «أما قبور الکفار تجوز علی الأصح نعم إن كانت الزیادة بقصد الاعتبار و تذكّر الموت فهی مندوبة مطلقاً فیستوی فیها جمیع القبور كما قاله السبکی و غیره»؛ العجیلی، سلیمان بن عمر ابن منصور، حاشیة الجمل علی المنهج لشیخ الاسلام زکریا الأنصاری، ج ۴، ص ۴۴.
۳. «أما زیارة قبور الکفار فمباحة»؛ انصاری السنیکی، زین الدین أبویحیی زکریا بن محمد، فتح الوهاب بشرح منهج الطلاب، ج ۱، ص ۱۷۶.
۴. «واستدل به علی جواز زیارة القبور ... سواء کان المزور مسلماً أو کافراً لعدم الاستفصال فی ذلك»؛ ابن حجر عسقلانی، أحمد بن علی، فتح الباری، ج ۳، ص ۱۵۰.
۵. «فَلَا تُسَنُّ زیارة الکافرِ بَلْ تُبَاحُ ... أَمَّا قُبُورُ الْکُفَّارِ فَلَا یُنَدَبُ زیارتها وَ تَجُوزُ عَلَی الْأَصَحِّ»؛ ابن حجر هیثمی، أحمد بن محمد بن علی، تحفة المحتاج فی شرح المنهاج، ج ۱۱، فصل فی الدفن و ما یتبعه، ص ۴۱۱-۴۱۲.
۶. «أما قبور الکفار فزیارتها مباحة»؛ خطیب شربینی، محمد بن احمد، مغنی المحتاج إلی معرفة معانی ألفاظ المنهاج، ج ۱، ص ۳۶۵؛ و «و يجوز للمسلم زیارة قبر قریبه الکافر عند الأكثرین»؛ همان، ج ۱، ص ۳۶۹.
۷. «أما زیارة قبور الکفار فمباحة»؛ رملی، محمد بن أبی العباس، نهاية المحتاج إلی شرح المنهاج، ج ۳، ص ۳۶.
۸. «قد أذن النبی ﷺ فی زیارتها بعد النهی و علله بأنها تذكّر الموت والدار الآخرة و أذن إذا عاها فی

- زیارة قبر المسلم والكافر؛ مناوی، محمد عبد الرؤوف، فیض التقدير شرح الجامع الصغير، ج ۵، ص ۵۵، رقم ۶۴۳۰.
۹. «أما زیارة قبور الكفار فمباحة»؛ بجیرمی الشافعی، سلیمان بن محمد بن عمر، تحفة الحبيب علی شرح الخطیب، ج ۲، ص ۵۷۲.
۱۰. «وَلِهَذَا تَجُوزُ زِيَارَةُ قُبُورِ الْمُشْرِكِينَ لِهَذِهِ الْعِلَّةِ»؛ ابن تیمیہ، احمد ابن عبدالحلیم، الفتاوی الکبری، ج ۳، ص ۵۰.
۱۱. «و أما زیارة قبر الكافر فرخص فيه لأجل تذكّار الآخرة»؛ ابن عبد الهادی الحنبلی، محمد بن أحمد، الصارم المنکی فی الرد علی السبکی، ص ۳۲۴.
۱۲. قَالَ صَاحِبُ الْمُحَرَّرِ وَ غَيْرُهُ: تَجُوزُ زِيَارَةُ قَبْرِ الْمُشْرِكِ وَالْوُقُوفُ ... وَ قَالَ شَيْخُنَا: تَجُوزُ زِيَارَتُهُ لِلإِعْتِبَارِ؛ المقدسی رامینی، محمد ابن احمد، كتاب الفروع، ج ۳، ص ۴۱۱.
۱۳. «و يجوز زیارة قبر المشرك والوقوف لزيارته لما سبق ذكره المجد و جوزه حفيده للاعتبار»؛ ابن مفلح حنبلی، إبراهیم بن محمد، المبدع شرح المقنع، ج ۲، ص ۲۵۶.
۱۴. «يجوزُ للمسلم زیارة قَبْرِ الْكَافِرِ قَالَهُ الْمُجَدُّ وَ غَيْرُهُ»؛ مرداوی، علی بن سلیمان، الانصاف فی معرفة الراجع من الخلاف، ج ۲، فوائد، ص ۵۶۲.
۱۵. «و يجوز زیارة قبر الكافر للاعتبار»؛ محمد بن عبد الوهاب، مختصر الانصاف والشرح الكبير، كتاب الجنائز، ص ۲۲۵.
۱۶. «وَ ذَكَرَ الْمَوْتُ يَزْهَدُ فِي الدُّنْيَا وَ يَرَعِبُ فِي الْعُقْبَى فِيهِ جَوَازُ زِيَارَةِ قُبُورِ الْمُشْرِكِينَ، وَالنَّهْيُ عَنْ الِاسْتِغْفَارِ لِلْكَافِرِ»؛ عظیم آبادی، أبو الطیب محمد شمس الحق، عون المعبود شرح سنن أبي داود، ج ۹، ص ۵۵.
۱۷. «و يجوز زیارة قبر من مات علی غیر الاسلام للعبرة فقط»؛ آلبانی، محمد ناصر الدین، احکام الجنائز، ص ۱۸، ذیل رقم ۱۲۱.
۱۸. «قال صاحب الحاوی لا تجوز زیارة قبر الكافر»؛ ابن حجر عسقلانی، أحمد بن علی، فتح الباری، ج ۳، ص ۱۵۰؛ و «أما زیارة قبور الكفار فمباحة خلافا للماوردی فی تحریمها»؛ رملی، محمد بن أبی العباس، نهاية المحتاج إلى شرح المنهاج، ج ۳، ص ۳۶.
۱۹. «والاحتياط عندی عدم زیارة قبور الكفار»؛ آلوسی، نعمان بن محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، ذیل آیه شریفه «وَلَا تَقُمْ عَلَى قَبْرِهِ» (توبه: ۸۴).
۲۰. «فَالْيَوْمَ نُنَجِّيكَ بِبَدَنِكَ لِتَكُونَ لِمَنْ خَلَقَكَ آيَةً وَ إِنَّ كَثِيرًا مِنَ النَّاسِ عَنْ آيَاتِنَا لَغَافِلُونَ»؛ یونس: ۱۹.
۲۱. این معنا بنا بر یکی از دو احتمال معنایی است؛ یکی رفتن به قبرستان و شمارش اموات برای تفاخر؛ و دیگری کنایه از مرگ و انتقال به قبر؛ نیز نک: طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، ص ۸۱۲؛ فیض کاشانی، محمد، تفسیر الصافی، ج ۵، ص ۳۶۸؛ طباطبائی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲۰، ص ۳۵۱؛ طبری، محمد بن جریر، جامع البیان، ج ۳۰، ص ۳۶۲.

۲۲. «كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ * ثُمَّ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ * كَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينِ * لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ * ثُمَّ لَتَرَوُنَّهَا عَيْنَ الْيَقِينِ» (تکاثر: ۳-۷).

۲۳. «كنت نهيتكم عن زيارة القبور ألا فزوروها»؛ ابن حنبل، احمد، مسند، ج ۵، ص ۳۶۱، ح ۲۳۱۰۲ و ج ۳، ص ۳۴۲، ح ۱۱۹۲۶؛ ابی داود السجستانی، سلیمان بن الأشعث، سنن، فی زیارة القبور، ج ۹، ص ۴۴، ح ۲۸۱۶؛ ترمذی، محمد بن عیسی، سنن الترمذی، باب ما جاء فی الرخصة فی زیارة القبور، ج ۴، ص ۲۱۰، ح ۹۷۴؛ بیهقی، أحمد بن الحسین، سنن البیهقی الکبری، باب الرخصة فی الأوعية بعد النهی، ج ۸، ص ۳۱۱، ح ۱۷۲۶۳؛ همان، باب الرخصة فی الأكل الحوم الضحایا، ج ۹، ص ۲۹۲، ح ۱۸۹۹۶؛ طبرانی، سلیمان بن أحمد، المعجم الأوسط، ج ۶، ص ۲۷۴، ح ۶۳۹۸.

۲۴. مشروعیت یا مطلوبیت بستگی به مبانی فقهی مذاهب اسلامی در تبیین مفاد امر بعد از حظر است. نک: سید مرتضی، علی بن حسین، الذریعة الی اصول الشریعة، ج ۱، ص ۷۳؛ شیرازی، ابراهیم بن علی، اللمع فی اصول الفقه، ص ۴۸.

۲۵. «و [نیز] حرکت تو را در میان سجده کنندگان [می نگرد]»؛ شعراء: ۲۱۶.

۲۶. از باب نمونه: «اسْتَغْفِرْ لَهُمْ أَوْ لَا تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ إِنْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ سَبْعِينَ مَرَّةً فَلَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ» توبه: ۸۰؛ و «سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أَسْتَغْفَرْتَ لَهُمْ أَمْ لَمْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ لَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ»؛ منافقین: ۶.

منابع

قرآن كريم.

نهج البلاغه.

آلبانى، محمد ناصر الدين بن الحاج نوح بن نجاتى بن آدم (١٩٨٦/١٤٠٦). *أحكام الجنائز*، بى جا: المكتب الاسلامى، الطبعة الرابعة.

ألوسى، نعمان بن محمود بن عبد الله (بى تا). *روح المعانى فى تفسير القرآن العظيم والسبع المثانى*، محقق: على عبد البارى عطيه، بيروت: دار الكتب العلمية.

ابن أبى شيبه، أبو بكر عبد الله بن محمد (١٤٠٩). *المصنف فى الأحاديث والآثار*، محقق: كمال يوسف الحوت، الرياض: مكتبة الرشد.

ابن إسماعيل كنانى، أحمد بن أبى بكر (١٤٠٣). *مصباح الزجاجة فى زوائد ابن ماجه*، تحقيق: محمد المنتقى الكشناوى، بيروت: دار العربية.

ابن بابويه (صدوق)، محمد بن على (بى تا). *علل الشرائع*، قم: مكتبة الداورى.

ابن تيميه الحرانى، تقى الدين أحمد بن عبد الحليم (١٩٨٧/١٤٠٨). *الفتاوى الكبرى*، المحقق: محمد عبد القادر عطا، مصطفى عبد القادر عطا، بى جا: دار الكتب العلمية.

ابن جوزى، عبد الرحمن بن على بن محمد (١٤٢٢). *زاد المسير فى علم التفسير*، محقق: عبد الرزاق المهدي، بيروت: دار الكتاب العربى.

ابن حبان، محمد (١٩٩٣). *صحيح ابن حبان بترتيب ابن بلبان*، تحقيق: شعيب الأرنؤوط، بيروت: مؤسسة الرسالة، الطبعة الثانية.

ابن حجر عسقلانى، أحمد بن على (١٣٧٩). *فتح البارى شرح صحيح البخارى*، بيروت: دار المعرفة.

ابن حجر عسقلانى، أحمد بن على (١٤٠٧). *فتح البارى شرح صحيح البخارى*، قاهره: دار الريان للتراث.

ابن حجر هيثمى، أحمد بن محمد بن على (بى تا). *تحفة المحتاج فى شرح المنهاج*، بيروت: دار إحياء التراث العربى.

ابن حنبل، أحمد بن محمد (١٩٩٩/١٤٢٠). *مسند الامام أحمد بن حنبل*، محقق: شعيب الأرنؤوط و آخرون، بيروت: مؤسسة الرسالة، الطبعة الثانية.

ابن طاووس، على بن موسى (١٣٧٦). *الاقبال بالأعمال الحسنة*، محقق: جواد قيومى اصفهانى، قم: دفتر تبليغات اسلامى.

ابن عبد البر، يوسف بن عبد الله بن محمد (١٩٨٠/١٤٠٠). *الكافى فى فقه أهل المدينة المالكي*، محقق: محمد محمد أحمد ولد ماديك الموريتانى، الرياض: مكتبة الرياض الحديثة، الطبعة الثانية.

- ابن عبد البر، یوسف بن عبد الله بن محمد (٢٠٠٠). *الاستذکار الجامع لمذاهب فقهاء الأمصار*، محقق: سالم محمد عطا و محمد علی معوض، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- ابن عبد الهادی الحنبلی، محمد بن أحمد (٢٠٠٣/١٤٢٤). *الصَّارِمُ الْمُتَنَكِّي فِي الرَّدِّ عَلَى السُّبُكِيِّ*، محقق: عقيل بن محمد بن زيد المقطري الیمانی، بیروت: مؤسسة الریان.
- ابن کثیر الدمشقی، عماد الدین إسماعیل بن عمر (١٤٢٠). *تفسير القرآن الكريم [تفسير ابن کثیر]*، محقق: سامی بن محمد السلامة، بی جا: دار طيبة.
- ابن مفلح حنبلی، إبراهيم بن محمد بن عبد الله بن محمد (١٤٠٤). *النکت والفوائد السنية علی مشکل المحرر لمجد الدین ابن تیمیة*، الرياض: مكتبة المعارف، الطبعة الثانية.
- ابن مفلح حنبلی، إبراهيم بن محمد بن عبد الله بن محمد (١٩٩٧/١٤١٨). *المبدع شرح المقنع*، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- ابن مفلح حنبلی، إبراهيم بن محمد بن عبد الله بن محمد (٢٠٠٣/١٤٢٣). *المبدع شرح المقنع*، الرياض: دار عالم الکتب.
- ابی داود السجستانی، سلیمان بن الأشعث بن إسحاق (٢٠٠٩/١٤٣٠). *سنن ابی داود*، محقق: شعیب الأرئوط و محمد کامل قره بللی، بی جا: دار الرسالة العالمیة.
- ابی داود السجستانی، سلیمان بن الأشعث بن إسحاق (بی تا). *سنن ابی داود*، بیروت: دار الکتب العربی.
- انصارى السنیکی، زین الدین أبویحیی زکریا بن محمد بن أحمد بن زکریا (١٤١٨). *فتح الوهاب بشرح منهج الطلاب*، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- بجیرمی الشافعی، سلیمان بن محمد بن عمر (١٩٩٦/١٤١٧). *تحفة الحبيب علی شرح الخطیب [البجیرمی علی الخطیب]*، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- بزار، أبو بکر أحمد بن عمرو (١٩٨٨-٢٠٠٩). *مسند البزار [البحر الزخار مسند البزار]*، محقق: محفوظ الرحمن زین الله، (حقق الأجزاء من ١ إلى ٩) و عادل بن سعد (حقق الأجزاء من ١٠ إلى ١٧) و صبری عبد الخالق الشافعی (حقق الجزء ١٨)، المدينة المنورة: مكتبة العلوم والحکم.
- بغدادی، احمد بن علی خطیب (١٩٩٧-١٤١٧). *تاریخ بغداد أو مدينة السلام*، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- بيهقی، أحمد بن الحسين (١٩٩٤/١٤١٤). *سنن الكبرى للبيهقی*، محقق: محمد عبد القادر عطا، مكة المكرمة: مكتبة دار الباز.
- بيهقی، أحمد بن الحسين (١٤٢١). *شعب الايمان*، محقق: أبوهاجر محمد السعيد بن بسيوني زغلول، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- بيهقی، أحمد بن الحسين (٢٠٠٣/١٤٢٤). *سنن الكبرى للبيهقی*، بیروت: دار الکتب العلمیة، الطبعة الثالثة.

واكاوى فقهى زيارت قبور غيرمسلمانان از منظر مذاهب اسلامى / ٢٢٣

- ترمذى، محمد بن عيسى (١٩٨٣/١٤٠٣). *سنن الترمذى [الجامع الصحيح سنن الترمذى]*، محقق: أحمد محمد شاكر و آخرون، بيروت: دار إحياء التراث العربى، الطبعة الثانية.
- تميمى مغربى، نعمان بن محمد (بى تا). *تأويل الدعائم: تربية المؤمنين بالتوفيق على حدود باطن علم الدين*، محقق: محمد حسن اعظمى، القاهرة: دار المعارف.
- حاكم نيشابورى، محمد بن عبد الله (١٩٩٠/١٤١١). *المستدرک على الصحيحين*، محقق: مصطفى عبد القادر عطا، بيروت: دار الكتب العلمية.
- حلى، حسن بن يوسف (بى تا). *كشف المراد فى شرح تجريد الاعتقاد*، مصحح: حسن حسن زاده آملی، قم: دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم.
- الحميرى المعافى، عبد الملك بن هشام (بى تا). *السيرة النبوية*، محقق: مصطفى السقا و ابراهيم الأياري و عبد الحفيظ شلبى، بيروت: دار المعرفة.
- حنفى كاسانى، علاء الدين أبوبكر بن مسعود بن أحمد (١٩٨٦/١٤٠٦). *بدائع الصنائع فى ترتيب الشرائع*، بيروت: دار الكتب العلمية، الطبعة الثانية.
- خطيب شريينى، محمد بن احمد (١٣٧٧). *مغنى المحتاج إلى معرفة معانى ألفاظ المنهاج*، بيروت: دار احياء التراث العربى.
- خطيب شريينى، محمد بن احمد (بى تا). *مغنى المحتاج إلى معرفة معانى ألفاظ المنهاج*، بيروت: دار الفكر.
- دارقطنى، على بن عمر بن أحمد (٢٠٠٤/١٤٢٤). *سنن الدارقطنى*، محقق: شعيب الارنؤوط و آخرون، بيروت: مؤسسة الرسالة.
- دقاق، محمد بن عبدالواحد بن محمد (١٩٩٧). *مجلس إملاء فى رؤية الله تبارك و تعالى*، محقق: حاتم بن عارف العونى، الرياض: مكتبة الرشد.
- الرازى الحنفى، أبو العباس بدر الدين أحمد بن محمد بن أحمد المظفر ابن المختار (بى تا). *حجج القرآن*، بيروت: مؤسسة الرسالة.
- رملی [شافعى الصغير]، محمد بن أبى العباس أحمد بن حمزة ابن شهاب الدين (١٩٨٤/١٤٠٤). *نهاية المحتاج إلى شرح المنهاج*، بيروت: دار الفكر للطباعة.
- زمخشري، محمود بن عمرو بن أحمد (١٩٩٨/١٤١٩). *الكشاف من حقائق غوامض التنزيل*، بيروت: دار الكتب العلمية.
- سبحانى، جعفر (بى تا). *مفاهيم القرآن*، قم: مؤسسة الامام الصادق.
- سرخسى، أبو بكر محمد بن أبى سهل (٢٠٠٠/١٤٢١). *المبسوط*، محقق: خليل محيى الدين الميس، بيروت: دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع.

- سید علی خان (۱۹۶۹). *ابوطالب و بنوه*، النجف: مطبعة الاداب.
- سید مرتضی (علم الهدی)، علی بن حسین (۱۳۷۶). *الذریعة الى أصول الشريعة*، مصحح: ابوالقاسم گرجی، تهران: نشر دانشگاه تهران.
- سیوطی، جلال الدین عبد الرحمن بن أبی بکر (۱۹۹۳). *الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور*، بیروت: دار الفکر.
- شیرازی، أبو اسحاق إبراهيم بن علی بن یوسف (۲۰۰۳/۱۴۲۴). *اللمع فی أصول الفقه*، بیروت: دار الکتب العلمیة، الطبعة الثانية.
- طباطبائی، سید محمد حسین (۱۴۱۷). *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: انتشارات جامعه مدرسین، قم، چاپ پنجم.
- طبرانی، أبو القاسم سلیمان بن أحمد بن ایوب بن مطیر (۱۴۱۵). *المعجم الأوسط*، محقق: طارق بن عوض الله بن محمد و عبد المحسن بن إبراهيم الحسینی، القاهرة: نشر الحرمین.
- طبرانی، أبو القاسم سلیمان بن أحمد بن ایوب بن مطیر (بی تا). *المعجم الكبير*، محقق: حمدی عبد المجید السلفی، بی جا: مكتبة ابن تیمیة.
- طبرسی، ابوعلی فضل بن الحسن (بی تا). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران: ناصر خسرو.
- طبری، أبو جعفر محمد بن جریر (۲۰۰۰/۱۴۲۰). *جامع البیان فی تأویل القرآن [تفسیر طبری]*، محقق: أحمد محمد شاکر، بیروت: مؤسسة الرسالة.
- طریحی، الشیخ فخر الدین بن محمد (۱۴۱۶). *مجمع البحرين*، تهران: کتاب فروشی مرتضوی.
- طریحی، الشیخ فخر الدین بن محمد (۱۹۵۳). *تفسیر غریب القرآن الکریم*، محقق: محمد کاظم الطریحی، قم: نشر زاهدی.
- طوسی، محمد بن الحسن (بی تا). *التبیان فی تفسیر القرآن الکریم*، محقق: احمد حبیب عاملی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- عاملی، سید جعفر مرتضی (بی تا). *الصحيح من سيرة النبي الأعظم ﷺ*، قم: مؤسسه علمی فرهنگی دار الحديث.
- عبدری، أبو عبد الله محمد بن یوسف بن أبی القاسم (۱۳۹۸). *التاج والاکلیل لمختصر خلیل*، بیروت: دار الفکر.
- عجلونی جراحی، إسماعیل بن محمد (۱۴۲۰). *كشف الخفاء و مزیل الألباس*، بی جا: مكتبة العصرية.
- العجیلی، سلیمان بن عمر ابن منصور (بی تا). *حاشية الجمل على المنهج لشيخ الاسلام زكريا الأنصاري* [فتوحات الوهاب بتوضیح شرح منهج الطلاب المعروف بحاشية الجمل]، بیروت: دار الفکر.
- عظیم آبادی، أبو الطیب محمد شمس الحق (۱۹۶۸/۱۳۸۸). *عون المعبود شرح سنن أبی داود*، محقق: عبد الرحمن محمد عثمان، المدینة المنورة: المكتبة السلفية، الطبعة الثانية.

واکاوی فقهی زیارت قبور غیرمسلمانان از منظر مذاهب اسلامی / ۲۲۵

عظیم آبادی، أبو الطیب محمد شمس الحق (۱۴۱۵). *عون المعبود شرح سنن أبي داود*، بیروت: دار الکتب العلمیة، الطبعة الثانية.

عینی حنفی، بدرالدین (بی تا). *عمدة القاری شرح صحیح البخاری*، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
غزی، محمد بن محمد (۱۹۹۵/۱۴۱۵). *الاتقان ما يحسن من الأخبار الدائرة على الألسن*، محقق: خلیل بن محمد العربی، القاهرة: الفاروق الحديثة للطباعة والنشر.

فاکهی المکی، محمد بن إسحاق بن العباس (۱۴۱۴). *أخبار مكة في قديم الدهر و حديثه*، محقق: عبد الملك عبد الله دهيش، بیروت: دار خضر، الطبعة الثانية.

فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰). *التفسير الكبير [مفاتيح الغيب]*، بیروت: دار إحياء التراث العربی، الطبعة الثالثة.

فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی (بی تا). *تفسير الصافي*، تهران: مكتبة الصدر.
قرطبی، أبوعبدالله محمد بن أحمد بن أبي بكر بن فرح (۱۹۶۴/۱۳۸۴). *الجامع لأحكام القرآن [تفسير القرطبي]*، محقق: أحمد البردوني و إبراهيم أطفيش، القاهرة: دار الکتب المصرية، الطبعة الثانية.

القزوينی (ابن ماجه)، أبو عبد الله محمد بن يزيد (۲۰۰۹/۱۴۳۰). *سنن ابن ماجه*، محقق: شعيب الأرناؤوط و غيره، بی جا: دار الرسالة العالمية.

القزوينی (ابن ماجه)، أبو عبد الله محمد بن يزيد (بی تا). *سنن ابن ماجه*، محقق: محمد فؤاد عبد الباقي، بی جا: دار إحياء الكتب العربية.

القشیری النیسابوری، أبو الحسن مسلم ابن الحجاج (بی تا). *صحیح مسلم*، محقق: محمد فؤاد عبد الباقي، الناشر، بیروت: دار إحياء التراث العربی.

کاشانی، ملا فتح الله بن شکر الله (۱۳۶۶). *منهج الصادقين في إلزام المخالفين*، تهران: کتاب فروشی اسلامیة.
کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). *الکافی*، محقق: علی اکبر غفاری، تهران: دار الکتب الاسلامیة، چاپ چهارم.

مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۳). *بحار الأنوار*، بیروت: دار إحياء التراث العربی، الطبعة الثانية.
محمد بن عبد الوهاب (بی تا). *مختصر الانصاف والشرح الكبير (مطبوع ضمن مجموعة مؤلفات الشيخ محمد بن عبد الوهاب، الجزء الثاني)*، المحقق: عبد العزيز بن زيد الرومي و غيره، بی جا: موقع مكتبة المدينة الرقمية.

مرداوی، علاء الدین أبو الحسن علی بن سلیمان (۱۴۱۹). *الانصاف في معرفة الراجح من الخلاف على مذهب الامام أحمد بن حنبل*، تحقیق: محمد حامد الفقی، بیروت: دار إحياء التراث العربی.

مفید، محمد بن محمد بن نعمان (بی تا). *اوائيل المقالات في المذاهب والمختارات*، محقق: ابراهيم الانصاری، بی جا: نشر المؤتمر العالمي لالفية الشيخ المفيد.

المقدسی رامینی، شمس الدین محمد ابن احمد (٢٠٠٣/١٤٢٤). کتاب الفروع (و معه تصحیح الفروع لعلاء الدین علی بن سلیمان المرداوی)، محقق: عبد الله بن عبد المحسن التركي، بی جا: مؤسسة الرسالة.

مقدسی، عبد الرحمن بن إبراهيم بن أحمد (٢٠٠٥/١٤٢٦). العدة شرح العمدة الفقه، محقق: صلاح بن محمد عویضة، بی جا: دار الكتب العلمية، الطبعة الثانية.

مقری فیومی، احمد بن محمد (بی تا). المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی، قم: منشورات دار الرضی.

مناوی، محمد عبد الرؤوف (١٣٥٦). فیض القدير شرح الجامع الصغير من أحادیث البشير النذیر، مصر: المكتبة التجارية الكبرى.

مناوی، محمد عبد الرؤوف (١٩٩٤/١٤١٥). فیض القدير شرح الجامع الصغير من أحادیث البشير النذیر، بیروت: دار الكتب العلمية.

الموصلی التیمی، أبی یعلی أحمد بن علی بن المثنی (١٩٨٤/١٤٠٤). مسند أبی یعلی، محقق: حسین سلیم أسد، دمشق: دار المأمون للتراث.

ناصف، شیخ منصور علی (بی تا). التاج الجامع للأصول فی أحادیث الرسول ﷺ، بیروت: دار الجیل.

نجفی طبسی، محمدرضا (١٣٩٥). منية الراغب فی ایمان ابی طالب علیه السلام، قم: المطبعة العلمية.

نسائی، احمد ابن علی (١٤١١). السنن الكبرى، بیروت: دار الكتب العلمية.

نووی، أبو زکریا محیی الدین یحیی بن شرف (١٣٩٢). شرح النووی علی صحیح المسلم [المنهاج شرح صحیح مسلم بن الحجاج]، بیروت: دار إحياء التراث العربی، الطبعة الثانية.

نووی، أبو زکریا محیی الدین یحیی بن شرف (بی تا). شرح المقاصد، محقق: محمد الحجار، بی جا: دار البشائر الاسلامية.

یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب (١٣٥٨). تاریخ یعقوبی، محقق: عبد الأمير مَهَنَّا، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.